



متأسفانه هستند خانواده‌هایی که به دلیل وضع معیشتی نابسامانی که دارند، از عهده خرید یک ویلچر برای معلولی که در خانواده‌شان زندگی می‌کند، بر نمی‌آیند. انجمن باور سبز این خانواده‌ها و افراد را شناسایی می‌کند و در واقع این پوشش با هدف کمک به این افراد است که شکل گرفته است. تا الان هم که حدود سه هفته از آغاز پوشش گذشته است، موفق شده ایم ۱۵ دستگاه ویلچر تهیه کنیم

خود معلول به یک شناخت فردی برسد و دوم اینکه به او میدان داده شود تا در جامعه دیده شود. در این صورت، معلول می‌تواند به باورهای خودش ترتیب اثر بدهد و در جامعه خود مفید باشد که این حس مفید بودن، بی‌تردید بر وجود معلولان می‌تواند تأثیر زیادی بگذارد.»

وجود دارد، درست پشت سرش قرار گرفته‌اند. حالا مرد مسنی از راه می‌رسد، به بروشورها و کاتالوگ‌های روی میز نگاه می‌کند، سرش را دور تا دور اتاق می‌چرخاند. دست در جیبش می‌کند. یک اسکناس ۱۰ هزار تومانی را دودستی و با احترام فراوان به مسئول غرفه اهدا می‌کند و برای خودش و بقیه یک سهم لبخند می‌خرد.

امسال حضور معلولان، پررنگ‌تر از پارسال است

سال دوم برگزاری این گردهمایی است و محمدحسین جعفری در مورد تفاوت‌هایی که همایش امسال با سال گذشته دارد، این چنین می‌گوید: «امسال ما توانستیم مجوز کتبی و رسمی امور معلولان مهاجر را در ایران دریافت کنیم و به عنوان یک نهاد رسمی خدمت کنیم. متأسفانه بیشتر پناهندگان در ایران، سازمان‌هایشان مجوز ندارد اما با تلاش‌های مدیرکل امور اتباع و همکاری سایر دوستان، موفق شدیم مجوز رسمی را از خود اداره کل اتباع دریافت کنیم و همین عامل، خودش باعث شد که امسال در دوره دوم دستمان بازتر باشد و بتوانیم از ظرفیت‌های معلولان هم استفاده کنیم؛ چون در سال گذشته روال مراسم به این صورت بود که بیشتر حول و حوش سخنرانی مسئولان می‌گذشت اما این بار رویکرد به گونه‌ای دیگر است و روی حضور خود معلولان و توانایی‌های آن‌ها مانور داده شده است.»

حس خودباوری باید در وجود معلولان شکل بگیرد
محمدحسین جعفری، مسئول شورای هماهنگی امور مهاجران افغانستانی در مشهد، است. به گفته او، این گردهمایی به‌همت این شورا تشکیل شده است. او می‌گوید: «هدف از برگزاری این برنامه، شناساندن ظرفیت‌ها و توانایی‌های معلولان در حوزه‌های مختلف است. چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود مردم شناخت بیشتری از این افراد پیدا کنند و خود معلولان هم می‌توانند نقش اجتماعی و واقعی خود را در جامعه ایفا کنند و در نتیجه آن، حس خودباوری در وجودشان شکل بگیرد.»

او در ادامه، از وضعیت حاکم بر معلولان مهاجر این گونه سخن می‌گوید: «معلول مهاجر، قربانی دوپدیده است؛ هم مهاجرت که او را درگیر پاره‌ای محدودیت‌ها کرده است و هم معلولیت جسمی خودش. این دو پدیده، زمانی می‌تواند کم‌رنگ شود که در درجه اول

شعار هم دارد: «من هوای معلولان شهرم را دارم.» شعاری که در نظر دارد نگرش اجتماعی را به قشر معلول وسعت ببخشد و به جامعه و مردم این نکته را گوشزد کند که دوروبرمان افرادی حضور دارند که به لحاظ شرایط خاصی که دارند، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

کمپین خرید ویلچر برای معلولان

پوشش مردمی حمایت از معلولان، بخش کوچک دیگری از این گردهمایی است. ماجرا از این قرار است که هرکسی با پرداخت یک سهم ۱۰ هزار تومانی می‌تواند برای خرید ویلچر به این پوشش کمک کند؛ ویلچرهایی که به گفته مسئول غرفه، در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل ممکن، ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و مدل‌های بالاتر ۲ تا ۳ میلیون تومان هم آب می‌خورد. او همچنین اضافه می‌کند: «متأسفانه هستند خانواده‌هایی که به دلیل وضع معیشتی نابسامانی که دارند، از عهده خرید یک ویلچر برای معلولی که در خانواده‌شان زندگی می‌کند، بر نمی‌آیند. انجمن باور سبز این خانواده‌ها و افراد را شناسایی می‌کند و در واقع این پوشش با هدف کمک به این افراد است که شکل گرفته است. تا الان هم که حدود سه هفته از آغاز پوشش گذشته است، موفق شده ایم ۱۵ دستگاه ویلچر تهیه کنیم.»؛ ویلچرهایی که چهار دستگاه از آن‌ها با روپان قرمزی که بر روی دسته‌شان

آرزوی منم در یک سطح برابر با افراد جامعه زندگی کنم

از اینکه تنهایی نمی‌تواند بیرون برود، تنهایی نمی‌تواند از آژانس استفاده کند و تنهایی نمی‌تواند با خیال راحت در مکان‌های عمومی ظاهر شود و حسن ختام صحبت‌هایش می‌شود این آرزویی که عجیب از دلش بر می‌آید: «آرزو می‌کنم روزی برسد که بتوانیم در یک سطح کاملاً برابر با افراد دیگر جامعه زندگی کنیم.»

پیدا می‌کنند، «او معتقد است نگاه مردم به قشر معلول و چیزی به اسم معلولیت، دیگر خیلی مثل قبل ترحم‌آمیز نیست و تحمل‌پذیرتر و محترمانه‌تر شده است اما همچنان جای بهتر شدن دارد. خدیجه می‌گوید: «مردم در حال حاضر، مخصوصاً جوان‌ترها، در این مورد با دید بهتر و منطقی‌تری نگاه می‌کنند اما قبل‌تر نگاه غالب، یک نگاه ناشی از سر دلسوزی بود و افراد فقط معلولیت فرد را می‌دیدند، فارغ از اینکه او چگونه آدمی است، چه شخصیتی دارد و از چه سطح فکری برخوردار است.» او حالا از مشکلات و محدودیت‌های محیطی‌اش می‌گوید که امثال وی همچنان برای حضور در جامعه باید با آن دست‌وپنجه نرم کنند؛

خدیجه یکی از خانم‌های جوانی است که در این گردهمایی حضور دارد و حدود ۱۴-۱۵ سال می‌شود که پذیرفته است باید زندگی‌اش را روی ویلچر ادامه بدهد. او عضو انجمن معلولان باور سبز است و از طریق اطلاع‌رسانی انجمن در کانال تلگرام متوجه شده است که چنین همایشی برگزار می‌شود.

خدیجه هم معتقد است که برپایی چنین برنامه‌هایی، خالی از لطف نیست و به نفعشان است. او می‌گوید: «مهم‌ترین و اصلی‌ترین فایده‌ای که این گردهمایی دارد، این است که معلول‌های مهاجر و توانایی‌هایشان به مردم عادی معرفی می‌شوند و مردم هم متقابلاً از آن‌ها شناخت بهتری